



Epistemic Effects of Gratitude as a Moral Virtue in The Noble Quran and Virtue Epistemology



ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Miandari H.*

Department of Science Studies,
Iranian Institute of Philosophy,
Tehran, Iran

How to cite this article

Miandari H. Epistemic Effects of
Gratitude as a Moral Virtue in The
Noble Quran and Virtue
Epistemology. Philosophical
Thought. 2025;5(2):121-139.

ABSTRACT

Gratitude in The Noble Quran is a moral virtue with epistemic effects. A responsibilist approach in virtue epistemology can explain why such effects occur. Among virtue epistemologists, only from Roberts' moral and epistemic ideas can we obtain the necessary basis for this kind of answer. We begin by defining gratitude from a Quranic perspective. Then comes Roberts' definition of gratitude. Next, we compare these two definitions. We also define gratitude as a moral virtue from a Quranic perspective. Then comes Roberts' definition. Next, we compare these two definitions. We thirdly distinguish between five categories of epistemic effects of gratitude in the Quran: gratitude and sign, gratitude and faith, gratitude and guidance, gratitude and epistemic faculties, and gratitude and wisdom. Then comes Roberts' epistemology, and on that basis, the epistemic effects of gratitude. Next, we discuss the epistemic effects of gratitude in the Noble Quran, drawing on Roberts' epistemic ideas.

Keywords Gratitude, Emotion, Moral Virtue, Responsibilism, Virtue Epistemology

CITATION LINKS

[Adeel, 2019] Epistemology ...; [Alusi; 1994a, 1994b, 1994c, 1994d] RŪH ...; [Axtell, 1997] Recent ...; [Ayoub, 1989] Thanksgiving ...; [Battaly, 2019] The ...; [Baydāwī, 1997a, 1997b, 1997c, 1997d] ANWĀR ...; [Camenisch, 1981] Gift ...; [Code, 1987] Epistemic ...; [Dolin & Baehr, 2025] Intellectual ...; [Emmons, 2004] The ...; [Emmons, 2007] Thanks ...; [Fadl-Allāh, 1998] Freethinkers ...; [Fakhr Rāzī, 1999a, 1999b, 1999c, 1999d, 1999e, 1999f] AL-TAFSĪR ...; [Greco, 2002] Virtues ...; [Gulliford et al., 2013] Recent ...; [Haqqi Burusawi, NDa, NDb, NDc, NDd] RŪH ...; [Ibn 'Ajibah, 1998] AL-BAHAR ...; [Izutsu, 2002] Ethico-religious concepts ...; [Kawall, 2002] Other-regarding ...; [Kelp & Greco, 2020] Virtue ...; [Kristjánsson, 2015] An Aristotelian ...; [Kvanvig, 1992] The ...; [Lambert et al., 2009] A prototype ...; [Makarem Shirazi, 1993a, 1993b, 1993c] TAFSĪR ...; [Manela, 2018] The virtue ...; [Mosalaepour, 2015] The semantic ...; [Nasr et al., 2015] The study ...; [Navarro & Tudge, 2020] What ...; [Qurtubi, 1985a, 1985b] AL-JĀMI' ...; [Qutb, 2004a, 2004b] FĪ ZILĀL ...; [Reinhart, 1995] Before ...; [Ridā, 1993a, 1993b] TAFSIR ...; [Roberts, 1984] Will power ...; [Roberts, 1989] Aristotle ...; [Roberts, 1991] Virtues ...; [Roberts, 1998] Character ...; [Roberts, 2003] Emotions ...; [Roberts, 2004] The blessings ...; [Roberts, 2013] Emotions ...; [Roberts, 2014] Cosmic ...; [Roberts, 2015] The normative ...; [Roberts, 2021] Recovering ...; [Roberts, 2024] Virtue ...; [Roberts & Wood, 2007] Intellectual ...; [Rushdy, 2020] Philosophies ...; [Shahidi, 2006] The role ...; [Siddiqui & Vette, 2022] A theology ...; [Snow, 2017] The Oxford ...; [Sosa, 1980] The raft ...; [Sosa, 2015] Virtue ...; [Tabarī, 1991] JĀMI' AL-BAYĀN ...; [Tabarsī, 1953a, 1953b, 1953c, 1953d, 1953e] MAJMA' ...; [Tabataba'i, 1970a, 1970b, 1970c, 1970d, 1970e, 1970f] AL-MĪZĀN ...; [Taleghani, 1983a, 1983b] PARTOVI ...; [Turri, 2011] Critical ...; [Tūsi, 1956a, 1956b, 1956c, 1956d] AL-TIBYĀN ...; [Yaghoubi & Kambouzia, 2018] A linguistic ...; [Zagzebski, 1996] Virtues ...; [Zamakhshārī, 1986a, 1986b, 1986c] AL-KASHSHĀF ...

*Correspondence

Address: No. 6, Arakliyan Alley,
Neuf-le-Chateau Street, Iranian In-
stitute of Philosophy, Tehran, Iran.
Postal Code: 1133614816
Phone: +98 (21) 66965349
miandari@irip.ac.ir

Article History

Received: March 5, 2025
Accepted: April 11, 2025
ePublished: April 30, 2025

آثار معرفتی فضیلت اخلاقی شکر در قرآن کریم و معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا

حسن میانداری*

گروه مطالعات علم، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران

چکیده

قرآن کریم برای فضیلت اخلاقی شکر آثار معرفتی بیان می‌فرماید. رویکرد مسئولیت‌گرا در معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا می‌تواند پاسخ دهد که چرا چنین آثاری وجود دارد. از معرفت‌شناسان فضیلت‌گرا تنها رابرتس است که می‌توان مقدمات لازم اخلاقی و معرفتی را برای دادن چنین پاسخی از آثار او به‌دست آورد. من ابتدا تعریفی قرآنی از شکر به‌دست می‌دهم. سپس تعریف رابرتس را بیان می‌کنم و آنگاه این دو تعریف را مقایسه می‌کنم. در گام بعد تعریفی قرآنی از فضیلت اخلاقی شکر به‌دست می‌دهم. سپس تعریف رابرتس را بیان می‌کنم و آنگاه این دو تعریف را مقایسه می‌کنم. در گام بعد آثار معرفتی شکر را در قرآن کریم به تفکیک شکر و آیه، شکر و ایمان، شکر و هدایت، شکر و قوای معرفتی و شکر و حکمت بیان می‌کنم. سپس معرفت‌شناسی رابرتس و بر آن اساس آثار معرفتی شکر را به اجمال توضیح می‌دهم. آنگاه آثار معرفتی شکر در قرآن کریم را براساس آرای معرفتی رابرتس تبیین می‌کنم.

کلیدواژگان: شکر، هیجان، فضیلت اخلاقی، مسئولیت‌گرایی، معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

*نویسنده مسئول: miandari@irip.ac.ir

آدرس مکاتبه: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان شهید آراکلیان، پلاک ۶، موسسه حکمت و فلسفه ایران.

تلفن محل کار: ۶۶۹۶۵۳۴۹ (۰۲۱)

مقدمه

قرآن کریم آثاری معرفتی برای شکر بیان می‌فرماید مانند اینکه اموری برای شاکران «آیه» هستند. به عنوان نمونه در لقمان/۳۱ می‌فرماید که روان‌گشتن کشتی در دریا برای بسیار شکرکنندگان آیه است. «شکر» در این آیه و آیات دیگری که اثری معرفتی برای شکر در آنها طرح می‌شود، فضیلتی اخلاقی است. در این صورت سوال می‌شود که چرا آن امور برای شاکران آیه هستند و چرا فضیلت اخلاقی شکر آثار معرفتی دیگری دارد. کاری که من در این مقاله می‌کوشم انجام دهم این است که نشان دهم با معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا می‌توان پاسخ‌های خوبی به این سوالات داد.

معرفت‌شناسی فضیلت‌گرای جدید^۱ با مقاله سوسا [Sosa, 1980] آغاز می‌شود و با آثار مهم دیگری رشد می‌یابد [Code, 1987; Kvanvig, 1992; Montmarquet, 1993; Zagzebski, 1996]. اکنون یکی از رویکردهای مهم در معرفت‌شناسی است [Greco, 2002]. و هم پاسخ‌های جدیدی به سوالات قدیمی معرفت‌شناسی مانند تعریف معرفت می‌دهد و هم سوالات جدیدی طرح می‌کند و پاسخ‌های گوناگونی به آنها می‌دهد [Kelp & Greco, 2020].

یکی از سوالات جدید، چپستی فضیلت معرفتی است. و دو نوع پاسخ به آن داده شده است: اعتمادگرایی و مسئولیت‌گرایی [Axtell, 1997]. اعتمادگرایان مانند سوسا فضیلت معرفتی را قوای شناختی مانند ادراک حسی دقیق یا حافظه قابل اعتماد می‌دانند. مسئولیت‌گرایان مانند زگزبسکی فضیلت معرفتی را صفات سیرت (منش) (character traits) مانند شجاعت یا تواضع می‌دانند. بنابراین مسئولیت‌گرایی بیشتر به کار پاسخ به سوال ما می‌آید.

مسئولیت‌گرایان بیشتر بحث نظری کلی کرده‌اند تا اینکه فضایل معرفتی خاصی را تحلیل و آثار معرفتی‌اش را نشان دهند. اما برخی فضایل معرفتی خاص مورد تحقیق قرار گرفته‌اند [Battaly, 2019].^۵ ولی تا جایی که من جست‌وجو کرده‌ام کسی درباره شکر^۶ به عنوان فضیلتی معرفتی یا فضیلتی اخلاقی که آثار معرفتی دارد، تحقیق نکرده است. این حکم کلی یک استثنای نسبی دارد و آن رابرتس است. او به تفصیل درباره شکر به عنوان فضیلتی اخلاقی تحقیق کرده است [Roberts, 1998; Roberts, 2004] و کتابی هم با وود در زمینه معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا دارد [Roberts & Wood, 2007] که در آن هفت فضیلت معرفتی را به تفصیل شرح می‌کنند. در این کتاب در ضمن بحث‌ها اشاراتی به شکر می‌شود ولی خود شکر به طور مستقل طرح نمی‌شود. بنابراین در این مقاله بیشتر با توجه به آرای او درباره شکر و آثار معرفتی‌اش بحث می‌کنم.^۷

تعریف «شکر»

تعریف «شکر» در قرآن کریم، سوای بررسی‌های عام قرآنی (مانند تفاسیر)، مورد تحقیق خاص هم قرار گرفته است [Mosalaeeepour & Tajik, 2015; Yaghoubi & Kambouzia, 2018; Ayoub, 1989; Izutsu, 2002; Reinhart, 1995]. متأسفانه مجال طرح تعاریف دیگر و بررسی آنها وجود ندارد. در این بخش ابتدا با کمک تفاسیر، تعریفی قرآنی از «شکر» ارائه می‌دهم. سپس تعریف رابرتس را به اجمال می‌آورم. و در انتها این دو تعریف را مقایسه می‌کنم.

نظری قرآنی

«شکر» سه جزء اساسی دارد: نعمت، نعمت‌دهنده، و نعمت‌گیرنده.

نعمت

علامه طباطبایی در تفسیر نحل/۱۱۴ می‌گوید نعمت‌بودن چیزی سبب وجوب شکر برای آن است [Tabataba'i, 1970c: 364].^۸ علامه در تفسیر احقاف/۱۵ درباره انواع نعمت می‌گوید نعمت دو نوع ظاهری و باطنی دارد. نعمت ظاهری مانند حیات، روزی، شعور و اراده، و نعمت باطنی مانند ایمان به خدا، اسلام، خشوع نسبت به خدا، توکل بر او و تفویض به او است [Tabataba'i, 1970e: 201]. همین مقدار توضیح «نعمت» در اینجا برای بحث ما کفایت می‌کند. در طول مقاله مطالب دیگری هم طرح می‌شوند.

نعمت‌دهنده

خصوصیت اصلی نعمت‌دهنده در بحث ما دلیل دهش او است. دلیل او یک وجه سلبی و یک وجه ایجابی دارد. وجه سلبی این است که دهش بر او واجب نیست و به تعبیر قرآنی «فضل» است. شیخ طوسی در تفسیر یوسف/۳۸ می‌گوید فضل نفع اضافه بر مقدار واجب به وجوب دینی است که لازم است برایش شکر شود [Tūsī, 1956b: 141]. علامه طباطبایی نیز در تفسیر نحل/۱۴ می‌گوید از غایات تسخیر دریا و جریان‌یافتن کشتی در آن شکر شما است زیرا نعمت بیش از حد ضرورت است. انسان در ضروریات کمتر تنبه می‌یابد که نعمتی از جانب خدا است ولی در آنچه بیش از حد ضرورت و سودمند است بیشتر تنبه می‌یابد [Tabataba'i, 1970c: 216-217].

یکی از موارد وجوب، استحقاق گیرنده است. بیضاوی در تفسیر نمل/۴۰ می‌گوید این نعمت از فضل پروردگار به من است بدون آنکه استحقاق آن را داشته باشم [Baydāwī, 1997c: 161]. آلوسی نیز در تفسیر نمل/۴۰ می‌گوید از فضل پروردگار یعنی خدا بدون استحقاق ذاتی من به آن و بدون عملی از من که نعمت را بر خدا واجب

کند، تفضل فرموده است [Alusi, 1994c: 199]. استحقاق بر این اساس دو نوع است یکی ذاتی است و دیگری به دلیل عملی که انجام می‌شود. حقی برسوی نیز در تفسیر نساء/۱۴۷ می‌گوید اگر شکر این نعمت‌ها را بگزارید که بدون استحقاق شما به شما داده‌ام شما را عذاب نمی‌کنم [Haqqi Burusawi, NDa: 312]. مرحوم طالقانی نیز در تفسیر بقره/۲۴۳ می‌گوید «فضل، اعطای بیش از نیازهای اولی و بیش از استحقاق است» [Taleghani, 1983a: 174].

وجه ایجابی دلیل برای نعمت الهی رحمت است. بسیاری از مفسران رحمان ابتدای سوره رحمان را دلیل نعمت‌هایی می‌دانند که در طول سوره بیان می‌شوند. برای نمونه بیضاوی می‌گوید چون سوره تعدادی نعمت‌های دنیوی و اخروی را برمی‌شمرد، در ابتدای آن رحمان آمده است [Baydāwī, 1997d: 170]. حقی برسوی نیز می‌گوید چون این سوره شامل تعدادی نعمت‌های دنیوی و اخروی و جسمانی و روحانی است آن را با اسم رحمان آغاز کرد که اسم ذات مشتمل بر جمیع اسما و صفات است تا نعمت‌های مختلف بعدی به آن اسناد یابند [Haqqi Burusawi, NDd: 288]. علامه طباطبایی نیز می‌گوید در تفسیر سوره فاتحه آمد که رحمان صیغه مبالغه است و دلالت بر زیادی رحمت به صورت بخشش نعمت‌ها دارد. بنابراین مناسب است با آنچه از نعمت‌های دنیوی به مومن و کافر می‌رسد و آنچه از نعمت‌های اخروی به مومن می‌رسد. و چون عمومیت دارد مناسب صدر کلام سوره‌ای است که مشتمل بر انواع نعمت‌های دنیوی و اخروی است [Tabataba'i, 1970f: 94].

قرآن کریم رحمت را علاوه بر دلیل اعطای نعمت، دلیل ابقای آن هم بیان می‌فرماید. نحل/۱۸ می‌فرماید اگر نعمت‌های خدا را شماره کنید نمی‌توانید بشمارید قطعاً خدا غفور و رحیم است. بسیاری از مفسران غفور را بخشیدن کوتاهی در شکر و رحیم را قطع نکردن نعمت تفسیر می‌کنند. برای نمونه طبرسی می‌گوید خدا در برابر کوتاهی شما در شکر نعمت‌هایش غفور است و چون نعمت‌ها را در برابر کوتاهی شما در شکر آنها قطع نمی‌کند، رحیم است [Tabarsī, 1953c: 546]. زمخشری نیز می‌گوید خدا غفور و رحیم است چون از کوتاهی شما در ادای شکر نعمت می‌گذرد و به دلیل تفریط شما در شکر، نعمت‌ها را قطع نمی‌کند [Zamakhshari, 1986b: 600]. فخر رازی نیز می‌گوید خدا غفور و رحیم است یعنی در مقابل کوتاهی شما در قیام به شکر نعمت‌هایش غفور است و چون به دلیل کوتاهی شما نعمت‌هایش را قطع نمی‌کند، رحیم است [Fakhr Rāzī, 1999d: 195].

نعمت‌گیرنده

شکر را نعمت‌گیرنده می‌گزارد. اگر نعمت به کسی دیگر برسد ولو بسیار نزدیک به فرد باشد، «شکر» از فرد انتظار نمی‌رود. فخر رازی در تفسیر فاتحه/۱ می‌گوید فرق بین حمد و شکر این است که حمد عام است و شامل رسیدن نعمت به خود و غیر است ولی شکر مختص نعمتی است که به خود می‌رسد [Fakhr Rāzī, 1999a: 190]. بنابراین بسیاری از مفسران آیاتی را که ظاهراً شاکر به دلیل نعمت به دیگری شکر می‌گزارد، چنین تفسیر می‌کنند که از آن نعمت چیزی به شاکر هم می‌رسد. به عنوان نمونه خود فخر رازی در تفسیر احقاف/۱۵ که شامل شکر نعمت به خود و والدین است می‌گوید اگر گفته شود شکر نعمت به خود را قبول داریم اما چگونه شکر نعمت‌هایی گزارده شود که به والدین رسیده است؟ برای اینکه هر نعمتی که از خدا به والدین فرد می‌رسد اثری از آن به خود فرد هم می‌رسد [Fakhr Rāzī, 1999e: 20].

آیه یوسف/۳۸ نیز شامل شکر نعمتی است که به دیگرانی رسیده است. یوسف (ع) در این آیه می‌گوید از آیین پدرام ابراهیم و اسحاق و یعقوب تبعیت کردم. شرک به خدا شایسته ما نیست. این از فضل خدا بر ما و بر

مردم است ولی اکثر مردم شکر نمی‌گذارند. شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌گوید رویگردانی از عبادت غیر خدا فضل خدا بر آنها بود و بر مردم زیرا آنها را رسول مردم نهاد [Tūsī, 1956b: 141]. آیه انبیاء/۸۰ نیز می‌فرماید به سلیمان زره‌سازی تعلیم دادیم تا شما را حفظ کند پس آیا شما شکرگزاری؟ طبرسی در تفسیر این آیه می‌گوید نعمت خدا به انبیاء، نعمت به خلق است بنابراین خلق باید شکر بگذارند [Tabarsī, 1953d: 92].

بسیاری از مفسران بزرگداشت نعمت‌دهنده را جزء شکر می‌دانند. به عنوان نمونه شیخ طوسی در تفسیر بقره/۵۲ می‌گوید شکر اعتراف به نعمت به همراه بزرگداشت است. رمانی گفته شکر اظهار نعمت است ولی اولی صحیح است زیرا ممکن است کسی که شاکر نعمتی نیست آن را اظهار کند [Tūsī, 1956a: 239]. طبرسی نیز در تفسیر سبأ/۱۳ می‌گوید شکر اطاعت نعمت‌دهنده و بزرگداشت او است [Tabarsī, 1953e: 600]. فخر رازی نیز در تفسیر اسراء/۱۹ می‌گوید بدان شکر عبارت است از ... و انجام افعالی که دلالت دارند بر اینکه نعمت‌دهنده نزد شاکر بزرگ است [Fakhr Rāzī, 1999d: 317-318].

بسیاری از مفسران به زبان آوردن نعمت و مدح و ثنای نعمت‌دهنده را جزء شکر می‌دانند. به عنوان نمونه علامه طباطبایی در تفسیر آل عمران/۱۴۴ می‌گوید حقیقت شکر اظهار نعمت است و اظهار نعمت عبارت است از ... ذکر زبانی نعمت‌دهنده که مدح اوست [Tabataba'i, 1970b: 38]. فخر رازی نیز در تفسیر اسراء/۱۹ می‌گوید بدان شکر عبارت است از ... و مدح زبانی نعمت‌دهنده [Fakhr Rāzī, 1999d: 317-318]. ابن عجبیه نیز در تفسیر سبأ/۱۳ می‌گوید شکر زبان مدح بسیار خدا است [Ibn 'Ajibah, 1998: 481]. شیخ طوسی نیز در تفسیر ضحی/۱۷ می‌گوید از شکر نعمت گفتن آن است [Tūsī, 1956d: 370]. رشید رضا نیز در تفسیر اعراف/۱۰ می‌گوید شکر نعمت ... با ستایش و مدح نعمت‌دهنده است [Ridā, 1993b: 327].

بسیاری از مفسران نوعی جبران را جزء شکر می‌دانند. به عنوان نمونه علامه طباطبایی در تفسیر بقره/۱۵۸ می‌گوید شکر مقابله احسان محسن است با اظهار زبانی یا عملی، مانند اینکه نعمت‌دهنده مالی می‌دهد و گیرنده با مدح زیبا که دلالت بر نعمت دارد یا با کاربرد مال در آنچه نعمت‌دهنده رضایت دارد، جبران می‌کند [Tabataba'i, 1970a: 386].^۶ قرطبی نیز در تفسیر بقره/۵۲ می‌گوید ذوالنون مصری ابوالفیض گفته شکر کسی که برتر از تو است با اطاعت است، شکر کسی که هم‌تراز تو است با چیزی برابر است، و شکر کسی که دون تو است با احسان و فضل است [Qurtubi, 1985a: 398]. آلوسی نیز در تفسیر همین آیه همین نقل قول را می‌آورد [Alusi, 1994a: 260]. حقی برسوی نیز در تفسیر فاطر/۳۰ سخنی شبیه را از قول ابواللیث سمرقندی می‌آورد. ابواللیث گفته شکر سه وجه دارد. شکر کسی که برتر است با اطاعت و ترک مخالفت است. شکر کسی که هم‌سطح است با برابری است. شکر کسی که مادون است با رضایت آسان‌گیرانه است [Haqqi Burusawi, NDb: 345]. بر این اساس جبران در شکر با توجه به مقام نعمت‌دهنده تفاوت می‌کند.^۷ اگر بالاتر باشد با اطاعت و ترک مخالفت، اگر هم‌تراز باشد با مقابله به مثل، و اگر پایین‌تر باشد با بیشتردادن و به آسانی راضی شدن.^۸

بر اساس تفکیک جبران با توجه به مقام نعمت‌دهنده می‌توان تفاسیر لقمان/۱۴ که شکر والدین به همراه شکر خداوند آمده ولی متفاوت هستند را تبیین کرد. به عنوان نمونه طبرسی می‌گوید شکر خدا با حمد و اطاعت و شکر والدین با نیکی و احسان است [Tabarsī, 1953e: 495]. حقی برسوی نیز می‌گوید شکر حق با تعظیم و تکبیر و شکر والدین با مهربانی و احترام است [Haqqi Burusawi, NDb: 78]. آلوسی نیز می‌گوید در مورد مراد از شکر اختلاف است. کسانی گفته‌اند شکر اطاعت و انجام کارهایی مانند نماز و روزه در مورد خدا و احسان و مهربانی در مورد والدین است [Alusi, 1994d: 86].

و باز براساس تفکیک جبران با توجه به مقام نعمت‌دهنده می‌توان نتیجه گرفت که شکر می‌تواند کمتر از جبران کامل باشد. شیخ طوسی در تفسیر بقره/۵۲ براساس دلیل دیگری به همین نتیجه می‌رسد: نعمت می‌تواند آنچنان بزرگ باشد که انسان نتواند از عهده شکر آن برآید مانند نعمت‌های خدا که هرچه شکر گزارده شود به حدی نمی‌رسد که بیشتر از آن جا نداشته باشد زیرا نعمت‌های خدا بزرگ و شکر بنده کوچک است [Tūsī, 1956a: 240]. طبرسی نیز در تفسیر همین آیه تقریباً عین سخن شیخ طوسی را می‌گوید [Tabarsī, 1953a: 234].

بسیاری از مفسران نحوه استفاده از نعمت را جزء شکر می‌دانند. به عنوان نمونه مرحوم طالقانی در تفسیر آل عمران/۱۴۴ می‌گوید «شاکر کسی است که ... با عمل نعمت را در طریق مقصود منعم به کار برد» [Taleghani, 1983b: 365]. علامه طباطبایی نیز در تفسیر همین آیه می‌گوید حقیقت شکر اظهار نعمت است ... و اظهار نعمت کاربرد آن در جایی است که نعمت‌دهنده اراده کرده است [Tabataba'i, 1970b: 38]. آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر ابراهیم/۷ می‌گوید «شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است آن را در مورد خودش صرف کنیم» [Makarem Shirazi, 1993b: 278].

نظری فلسفی

تعاریف متفاوتی از «شکر» در فلسفه [Rushdy, 2020] و الهیات [Siddiqui & Nathanael, 2022] داده شده است. روان‌شناسی هم دیرتر از فلسفه و الهیات [Emmons, 2004] به تعریف «شکر» پرداخته است [Lambert et al., 2009]. تعاریف جدید فلسفی و روان‌شناختی شکر در مقاله گالیفورد گزارش شده است [Gulliford et al., 2013]. من در این بخش تعریف رابرتس را به اجمال بیان می‌کنم.^۸

رابرتس تعریفی شش جزئی از شکر را در قالب تحلیل «من شاکر (شخص) ش برای (خیر) خ هستم» ارائه می‌دهد [Roberts, 2015]: ۱. خ برای من مفید است، ۲. ش در اعطای خ به من کار خوبی کرده است، ۳. ش در اعطای خ نسبت به من خیرخواهی کرده است، ۳ الف. ش در اعطای خیرخواهانه خ، وای صرف انگیزه انجام وظیفه رفته است، ۴. ش در اعطای خیرخواهانه سخاوتمندانه خ، مرا مدیون لطف خود کرده است، ۵. خیرخواهی ش و اعطای خ نشان می‌دهند که ش خوب است (یا خوبی ش نشان می‌دهد که خ خوب است و ش در اعطای خ خیرخواه است)، و ۶. من می‌خواهم دین و دلبستگی خود به ش را با بازگرداندن چیز مفیدی ابراز کنم.^۹

مقایسه دو نظر

دو نظر قرآنی و فلسفی که آوردیم با توجه به موضوع مقاله، تطابق کلی با یکدیگر دارند. دو جزء نعمت به عنوان مبنای شکر و شکرگزاری نعمت‌گیرنده در تعریف قرآنی، مطابق با جزء ۱ در تعریف رابرتس است. واجب نبودن دهش نعمت مطابق با جزء ۳ الف است. رحمت به عنوان دلیل اعطا و ابقای نعمت، مطابق با دو جزء ۲ و ۳ است. بزرگداشت نعمت‌دهنده مطابق با جزء ۵ است. جبران شامل به زبان آوردن و مدح و ثنای نعمت‌دهنده مطابق با دو جزء ۴ و ۶ است. امکان کمتربودن شکر از جبران کامل نیز مطابق با جزء ۶ است. تفاوت شکر بر اساس مقام نعمت‌دهنده و نحوه استفاده از نعمت^{۱۰} در تعریف قرآنی مطابقی در تعریف رابرتس ندارند.^{۱۱}

فضیلت اخلاقی شکر

چیستی فضیلت اخلاقی بسیار محل مناقشه است [Snow, 2017]. در این بخش ابتدا با کمک تفاسیر تعریفی قرآنی از فضیلت شکر ارایه می‌کنم. سپس به اجمال تعریف رابرتس را می‌آورم. و در انتها این دو تعریف را مقایسه می‌کنم.

نظری قرآنی

فضیلت شکر صفتی پایدار (به اصطلاح «ملکه») در فرد است برخلاف «شکرگزاری» که دلالت بر انجام فعل شکر دارد بدون آنکه درباره صفت شکر فاعل سخنی بگوید. علامه طباطبایی در تفسیر آل عمران/ ۱۴۴ می‌گوید اطلاق فعل دلالت ندارد مگر بر اینکه کاری انجام شده است اما اطلاق صفت به استقرار آن هم دلالت دارد یعنی ملکه ای که ماندگار است. بنابراین شاگردان کسانی هستند که صفت شکر در آنها ثابت و این فضیلت در آنها مستقر است [Tabataba'i, 1970b: 38].

فضیلت شکر تنها بخشی از شخص نیست بلکه کل وجود او را مانند فکر، احساس و عمل دربر می‌گیرد؛ و تنها در بخشی از موقعیت‌هایی که فرد در آنها واقع می‌شود نیست بلکه کل موقعیت‌ها را مانند خانواده، کار و جامعه دربر می‌گیرد. بسیاری از مفسران در تفسیر سبأ/ ۱۳ همین شمول را می‌گویند. به عنوان نمونه زمخشری می‌گوید شکور کسی است که فراوان ادای شکر می‌کند و نهایت جدیت را به خرج می‌دهد: قلب، زبان و اعضا، از نظر اعتقاد، اعتراف و کوشش مشغول شکر و در اکثر اوقات هستند [Zamakhshari, 1986c: 573]. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر ابراهیم/ ۷-۵ می‌گوید «تنها تشکر و سپاس‌گزاری از خداوند در برابر نعمت‌ها کافی نیست، بلکه باید از کسانی که وسیله آن موهبت بوده‌اند نیز تشکر و سپاس‌گزاری نمود ... احیای روح شکرگزاری در جامعه و ارج‌نهادن و تقدیر و سپاس از آنها که ... در طریق پیشبرد اهداف اجتماعی خدمت کرده‌اند» [Makarem Shirazi, 1993b: 282-283].

فضیلت شکر مراتب دارد. ابن عجبیه در تفسیر سبأ/ ۱۳ می‌گوید مردم از نظر شکر درجاتی دارند: عوام، خواص، و خواص خواص. درجه عوام شکر بر نعمت است. درجه خواص شکر بر نعمت و نعمت و در تمام شرایط است. و درجه خواص خواص عدم توجه به نعمت و مشاهده نعمت‌دهنده است [Ibn 'Ajibah, 1998: 481]. حقی برسوی نیز در تفسیر زمر/ ۶۶ می‌گوید بدان شکر سه درجه دارد. اول شکر بر عطایا است، دوم شکر بر مشکلات است و سوم اینکه نه نعمتی ببیند و نه شدتی بلکه نعمت‌دهنده را مشاهده کند [Haqqi Burusawi, NDC: 133]. حقی برسوی در تفسیر نساء/ ۱۴۷ نیز می‌گوید شکر بر وجود نعمت‌دهنده برتر از شکر بر وجود نعمت است [Haqqi Burusawi, NDa: 312].

فضیلت‌مندانی که به مراتب بالای شکر می‌رسند اسوه فضیلت‌مندانی می‌شوند که مراتب پایین‌تری دارند. بسیاری از مفسران در تفسیر اسراء/ ۳ نوح (ع) را اسوه شکر می‌دانند. به عنوان نمونه زمخشری می‌گوید نوح (ع) بنده‌ای شکور بود و شما فرزندان کسانی هستید که به او ایمان آوردند و با او سوار بر کشتی شدند، پس او را اسوه خود قرار دهید آنچنان که پدران شما او را اسوه خود قرار دادند [Zamakhshari, 1986b: 648]. بیضاوی نیز در تفسیر اسراء/ ۳ می‌گوید نوح (ع) بنده‌ای شکور بود و فرزندان ترغیب می‌شوند که به او اقتدا کنند [Baydāwī, 1997b: 248]. آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نحل/ ۱۲۱-۱۲۰ نیز درباره ابراهیم (ع) می‌گوید «سخن از یک مصداق کامل بنده شکرگزار خدا، یعنی ابراهیم قهرمان توحید، به میان آمده که مخصوصاً از این نظر نیز برای مسلمان‌ها عموماً و عرب‌ها خصوصاً الهام آفرین است که او را پیشوا و مقتدای نخستین خود می‌دانند»

[Makarem Shirazi, 1993c: 448]. سید قطب در تفسیر لقمان/۱۲ نیز درباره لقمان می‌گوید اقتدا به لقمان که مرد حکیم و مختاری بود توجیه قرآنی ضمنی برای شکر خدا است [Qutb, 2004b: 2787].

نظری فلسفی

رابرتس بین شکر به مثابه هیجان (emotion)، صفت شخصیت (personality trait)، و فضیلت تفکیک می‌کند [Roberts, 2015]. هیجان یک رخداد ذهنی در موقعیتی خاص است و دیری نمی‌پاید. صفت شخصیت گرایشی کلی است که ممکن است در کل زندگی فرد بپاید ولی بیشتر فطری است و می‌تواند از نظر اخلاقی خوب، بد، یا نه خوب-نه بد باشد. فضیلت هم مانند صفت شخصیت، قابلیت (disposition) پایدار است ولی بیشتر اکتسابی است و از نظر اخلاقی خوب است. صفت شخصیت از نظر عملی ممکن است عین فضیلت باشد ولی فقط فضیلت کمال شخص است. زیرا فضیلت شکر هیجان شکر را در موارد درست، با انگیزه درست و به شیوه درست ابراز می‌کند.

رابرتس بین دو نوع فضیلت اخلاقی تفکیک می‌کند: فضایل جوهری (substantive) و انگیزشی (motivational)؛ و فضایل قوت اراده (will power) [Roberts, 1984].^{۳۳} نوع اول فضایی مانند صداقت، عدالت و سخاوت هستند زیرا الگوهای رفتاری، حکمی (judgment) و هیجانی خاصی دارند. به عنوان نمونه فضیلت صداقت رفتار راست‌گفتن در موقعیت‌های بایسته، خوب حکم‌کردن که در چه موقعیت‌هایی باید راست گفت، و تجربه هیجانات ناراحتی، گناه، خشم، غم و ... به هنگام راست‌نگفتن خود و دیگران است. نوع دوم فضایی مانند صبر، شجاعت و استقامت هستند زیرا الگوهای رفتاری، حکمی و هیجانی خاصی ندارند. به عنوان نمونه صبر در نژادپرستان، متقلبان و دزدان هم هست.

فضایل نوع اول به این معنا «انگیزشی» هستند که فرد از انجام افعال مربوط به آنها لذت می‌برد. به عنوان نمونه عادل می‌خواهد که عدالت فراگیر شود و در موقعیت‌های مناسب انگیزه دارد افعالی انجام دهد که عدالت را بگسترند. بنابراین از انجام افعال عادلانه و دیدن آنها احساس لذت خواهد کرد و از برعکس آنها رنجور خواهد شد. اما لذت‌بردن از افعال فضایل نوع دوم، شرط‌داشتن آنها نیست. به عنوان نمونه لازمه شجاعت، لذت‌بردن از افعال شجاعانه نیست. کسی که از چنین افعالی لذتی ببرد احتمالاً هم برای جامعه و هم برای خودش خطرناک است. فضیلت شجاعت انگیزه خاصی ندارد و فضایل نوع اول انگیزه خوب اخلاقی آن را تامین می‌کنند.

رابرتس تقسیم‌بندی دیگری نزدیک به تقسیم‌بندی قبل دارد [Roberts, 2013: 205-206]. فضایل باز دو نوع هستند: فضایی که دلایل عمل و احساس خاصی دارند و فضایی که چنین دلایلی ندارند بلکه براساس موقعیت‌های خاص متمایز می‌شوند. به عنوان نمونه عدالت از نوع اول است و عادل به دلیل تحقق یا حفظ عدالت عمل می‌کند و وقتی با بی‌عدالتی روبه‌رو می‌شود ناراحت می‌شود و وقتی بی‌عدالتی برطرف می‌شود خوشحال می‌شود. و شجاعت از نوع دوم است. شجاعت در موقعیت‌های خطرناک لازم می‌شود. اما دلیل خاصی برای عمل ندارد بلکه در موارد خوب اخلاقی دلایل را فضایل نوع اول و در موارد بد اخلاقی دلایل را ردایل تامین می‌کنند.

رابرتس موقعیت‌گرایی (situationism) در روان‌شناسی را رد می‌کند [Roberts, 2013: 194-198]. موقعیت‌گرایان استدلال می‌کنند که بیشتر از فضایل، عوامل موقعیتی نامربوط به لحاظ اخلاقی، افعال افراد را تبیین می‌کنند. بنابراین فضایل «قوی» (robust) نیستند یعنی افعال فرد در موقعیت‌های متنوع ناشی از فضایل نیست. اما رابرتس می‌گوید موقعیت‌گرایان بیشتر به رفتار مشاهده‌پذیر توجه می‌کنند تا امور درونی

مانند انگیزه، فهم و ارزیابی موقعیت. و همچنین موقعیت‌گرایان «ضعف اراده» (akrasia) را در تبیین افعال ناسازگار با فضایل دست کم می‌گیرند.

رابرتس به مراتب فضیلت شکر اشاره می‌کند [Roberts, 2004: 70-71]. شاکر در مراتب بالاتر کسی است که هرچه از خدا می‌رسد را خوب می‌یابد ولو مسخره‌کردن و توهین دیگران باشد. اگر فرد خودش را ملاک تشخیص خوب و بد قرار دهد در واقع کبر ورزیده و اهانت به خداوند کرده است. رابرتس در فصل ۱۴ [Roberts, 2021] ایوب را اسوه شکر می‌داند زیرا در شرایطی که خانواده و دارایی‌هایش را از دست داده بود شاکر بود. البته فضایل دیگر برای رسیدن به این مرتبه لازمند به عنوان نمونه تواضع برای تسلیم اراده خداوند شدن، و ایمان برای باور به خوب کامل‌بودن خداوند.

با توجه به آرای کلی رابرتس درباره فضیلت اخلاقی می‌توان نظر او درباره فضیلت شکر را استنباط کرد. فضیلت شکر با توجه به تعریف رابرتس از شکر، از نوع فضایل جوهری و انگیزشی است زیرا الگوی رفتاری، حکمی و هیجانی خاصی دارد و خودش هم شاکر را می‌انگیزد. خود او در [Roberts, 1991: 335] شکر را با شجاعت مقایسه می‌کند و می‌گوید شکر می‌انگیزد اما شجاعت نه. بر این اساس فضیلت شکر دلایل عمل و احساسی خاصی هم دارد. براساس رد موقعیت‌گرایی می‌توان نوعی مراتب فضیلت شکر داشت: کسانی که در موقعیت‌های بیشتر و متنوع‌تری شاکرند.^{۲۷} این موقعیت‌های بیشتر و متنوع‌تر به‌ویژه در زمینه‌ای دینی شامل شکر در موقعیت‌های سخت هم می‌شود. و شاکرانی که به این مراتب بالا می‌رسند، اسوه شاکران مراتب پایین‌تر می‌شوند.

مقایسه دو نظر

دو نظر قرآنی و فلسفی که آوردیم با توجه به موضوع مقاله تطابق کلی با یکدیگر دارند. ملکه‌بودن فضیلت شکر در نظر قرآنی مطابق با قابلیت پایدار اکتسابی در نظر رابرتس است. فراگیربودن فضیلت شکر در نظر قرآنی مطابق با جوهری و انگیزشی‌بودن، و داشتن دلایل خاص برای فکر و عمل در نظر رابرتس است. فضیلت شکر در هر دو نظر مراتب و اسوه دارد.

آثار معرفتی شکر در قرآن کریم

آثار معرفتی شکر در قرآن کریم را می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد: ۱. شکر و آیه، ۲. شکر و ایمان، ۳. شکر و هدایت، ۴. شکر و قوای معرفتی، و ۵. شکر و حکمت.

شکر و آیه

آیات اعراف/۵۸-۵۷، ابراهیم/۵، لقمان/۳۱، سبأ/۱۹-۱۸، و شوری/۳۳-۳۲ می‌فرمایند برخی امور برای شاکران آیه هستند. براساس توضیحی که برای فضیلت شکر آوردیم می‌توان استدلال کرد که منظور از شاکران در این آیات کسانی هستند که فضیلت اخلاقی شکر را دارند. آیات در اعراف/۵۸ برای قومی هستند که شکر می‌گزارند که مضارع است و دلالت بر استمرار دارد. در بقیه آیات صیغه مبالغه شکر آمده است و در تفسیر سبأ/۱۳ آوردیم که بسیاری از مفسران صیغه مبالغه را چنان تفسیر کرده‌اند که به توضیح ما فضیلت اخلاقی است. بسیاری از مفسران «آیه» در این زمینه را «دلیل» برای وجود و صفات خداوند تفسیر کرده‌اند. به عنوان نمونه فخر رازی در تفسیر اعراف/۵۸ می‌گوید دلیلی که بر وجود صانع و علم و قدرت و حکمت او دلالت دارد [Fakhr Rāzī, 1999c: 293]. آلوسی نیز در تفسیر ابراهیم/۵ می‌گوید دلیلی که بر وحدانیت خدا و قدرت و علم و حکمت او

دلالت دارد [Alusi, 1994b: 179]. شیخ طوسی نیز در تفسیر لقمان/۳۱ می‌گوید دلایلی که بر وحدانیت او دلالت دارند. جریان یافتن کشتی در اثر باد دلالت بسیاری دارد بر اینکه خدا قادری است که هیچ چیز او را عاجز نمی‌کند [Tūsī, 1956c: 287]. حقی برسوی نیز در تفسیر سبأ/۱۹-۱۸ می‌گوید حجت‌هایی واضح و قاطع بر وحدانیت و قدرت خدا هستند [Haqqi Burusawi, NDb: 287].

شکر و ایمان

آیه نساء/۱۴۷ می‌فرماید اگر شکر بگزارید و ایمان بیاورید خدا می‌خواهد با عذاب شما چه کند؟ شکر در این آیه قبل از ایمان آمده است. بسیاری از مفسران می‌گویند شکر نعمت^{۳۶}، زمینه را برای معرفت نعمت‌دهنده آماده می‌کند. به عنوان نمونه زمخشری می‌گوید عاقل به نعمت‌های بزرگی که به او داده شده می‌نگرد و در نتیجه شکر مبهمی می‌گزارد. بعد وقتی به معرفت نعمت‌دهنده منتهی می‌شود ایمان می‌آورد و شکر مفصلی می‌گزارد [Zamakhsharī, 1986a: 582]. فخر رازی نیز می‌گوید انسان وقتی به خودش می‌نگرد نعمت بزرگی را می‌بیند و در نتیجه شکر مجمل می‌گزارد. بعد وقتی نگاهش را کامل می‌کند و به معرفت نعمت‌دهنده می‌رسد ایمان می‌آورد و آنگاه شکر مفصل می‌گزارد. بنابراین شکر مجمل مقدم بر ایمان می‌شود [Fakhr Rāzī, 1999b: 252-253]. بیضاوی نیز می‌گوید ناظر ابتدا نعمت را درک می‌کند و در نتیجه شکر مبهمی می‌گزارد. بعد به دقت می‌نگرد تا به معرفت نعمت‌دهنده می‌رسد و به او ایمان می‌آورد [Baydāwī, 1997a: 105].

آیه انعام/۵۳ نیز می‌فرماید ما چنین برخی از آنها را به برخی دیگر امتحان کردیم تا بگویند آیا اینها هستند که خدا از میان ما بر آنها منت نهاده است. آیا خدا به شاکران دانایتر نیست؟ بسیاری از مفسران در تفسیر این آیه نیز شکر را زمینه‌ساز ایمان دانسته‌اند. به عنوان نمونه سید قطب می‌گوید خدا نعمت ایمان را تنها به شاکران می‌دهد [Qutb, 2004a: 1101]. رشید رضا نیز می‌گوید خدا توفیق ایمان به آنها داده زیرا استعداد شکر دارند و شکر موجب زیادی است [Ridā, 1993a: 445]. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز می‌گوید «این افراد با ایمان مردمی هستند که شکر نعمت عمل و تشخیص را به جا آورده و آن را به کار بسته‌اند، و همچنین شکر نعمت دعوت پیامبر ص را به جا آورده و از او پذیرا شده‌اند. چه نعمتی از آن بزرگ‌تر و چه شگری از آن بالاتر، و به همین خاطر خداوند، ایمان را در قلوب آنها راسخ گردانیده است» [Makarem Shirazi, 1993a: 258].

شکر و هدایت

آیه انسان/۳ می‌فرماید ما او را به راه هدایت کردیم یا شاکر خواهد بود یا کفور. دکتر نصر و همکاران در تفسیر این آیه می‌گویند این آیه شبیه بلد/۸-۱۰ است که می‌فرماید آیا دو چشم، یک زبان و دو لب به او ندادیم و او را به دو راه هدایت نکردیم؟ این آیات می‌فرمایند خدا کسانی را که چشم‌هایی بینا و گوش‌هایی شنوا دارند، هدایت می‌کند. شاکر و کفور هم بر مومن و کافر دلالت دارند چنان که در کهف/۲۹ می‌فرماید حق از پروردگارت است پس هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد کافر شود [Nasr et al., 2015: 1452]. نصر و همکاران می‌گویند هدایت‌شدن با استفاده از قوای معرفتی مانند بینایی و شنوایی است و شاکران هستند که ایمان می‌آورند. با ترکیب این دو سخن می‌توان گفت که قوای معرفتی شاکران است که درست کار می‌کند و لذا هدایت می‌شوند و ایمان می‌آورند.

آیات اعراف/۱۶-۱۷ نیز می‌فرمایند ابلیس گفت من بر راه راست تو خواهم نشست و از جهات مختلف بر آنها خواهم تاخت و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت. دکتر نصر و همکاران در تفسیر این آیات می‌گویند قرآن در سبأ/۲۰ پیش‌بینی شیطان در اعراف/۱۷ را که بیشتر مردم را شاکر نخواهی یافت^{۳۷} تایید می‌کند زیرا می‌فرماید

قطعاً ابلیس گمان خود را در مورد آنها راست یافت و جز گروهی از مومنان، بقیه از او پیروی کردند [Nasr et al., 2015: 412].^{xviii} بنابراین بیشتر مردم هدایت نمی‌شوند و ایمان نمی‌آورند.

شکر و قوای معرفتی

آیات نحل/۷۸، مومنون/۷۸، سجده/۹، و ملک/۲۳ می‌فرمایند قوای معرفتی اعطا شده تا مردم شکر گزارند ولی اندکی شکر می‌گزارند. بسیاری از مفسران می‌گویند که چون بیشتر افراد از قوای معرفتی درست استفاده نمی‌کنند، شکر آنها را نمی‌گزارند. به عنوان نمونه آلوسی در تفسیر سجده/۹ می‌گوید شکر آنها به این است که برای آنچه خلق شده‌اند مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین با گوش‌ها آیات تنزیل شده را بشنود که از توحید و بعث سخن می‌گویند، با چشم‌ها آیات تکوینی شاهد توحید و بعث را ببیند، و با قلب برای حقیقت آنها استدلال کند. و اینکه خداوند می‌گوید قلیلی شکر می‌گزارید بیان کفر آنها به این نعمت‌ها است [Alusi, 1994d: 122].

فخر رازی نیز در تفسیر ملک/۲۳ می‌گوید گویی خداوند می‌فرماید این سه را اعطا کرده‌ام ولی شما آنها را ضایع کردید و در نتیجه آنچه را شنیدید قبول نکردید، از آنچه دیدید عبرت نگرفتید، و در عاقبت آنچه به عقل دریافتید تامل نکردید. بنابراین خدا می‌فرماید قلیلی شکر می‌گزارید زیرا شکر نعمت خدا به این است که آن را برای رضای خدا به کار برید و شما گوش و چشم و عقل را در طلب رضای او به کار نبردید. بنابراین شکر نعمتش را نکردید [Fakhr Rāzī, 1999f: 595].

دکتر نصر و همکاران نیز در تفسیر سجده/۹ می‌گویند آنها که شکر این قوا را نمی‌گزارند براساس احقاف/۲۶ (که می‌فرماید گوش و چشم و قلب آنها به دردشان نخورد زیرا آیات خدا را انکار کردند) کسانی هستند که قوای معرفتیشان هیچ سودی برایشان نداشته یعنی این قوا را مطابق با تعالیم خداوند به کار نبرده‌اند بلکه صرفاً پیرو امیال و هواهای خودشان بوده‌اند [Nasr et al., 2015: 1012]. دکتر نصر و همکاران در تفسیر ملک/۲۳ نیز می‌گویند ناشکری به علت بیماری قلب انسان است زیرا حج/۴۶ می‌فرماید در حقیقت چشم‌ها نابینا نیستند بلکه قلب‌هایی که در سینه‌ها است نابینا هستند [Nasr et al., 2015: 1398]. با توجه به بحث‌هایی که تا به حال داشته‌ایم می‌توان «نابینایی قلب» را رذایل اخلاقی-معرفتی تفسیر کرد.

شکر و حکمت

آیه لقمان/۱۲ می‌فرماید به راستی به لقمان حکمت دادیم که خدا را شکر بگزار. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید حکمت براساس موارد کاربردش معرفت علمی سودمند است. حقیقت شکر قراردادن نعمت‌ها در جایی است که شایسته آن است آن‌گونه که انعام نعمت‌دهنده اشاره می‌کند. و قراردادن نعمت چنان که حق آن است متوقف است بر معرفت نعمت‌دهنده، معرفت نعمت‌های او از جهت نعمت‌بودن، و کیفیت قراردادن به نحوی که حکایت از انعام نعمت‌دهنده داشته باشد. بنابراین دادن حکمت به لقمان او را به شکر انگیزت پس دادن حکمت ملازم با امر به شکر است [Tabataba'i, 1970d: 215]. بر این اساس لازمه شکر، معرفت به نعمت‌دهنده، معرفت به نعمت از آن جهت که نعمت است و معرفت به نحوه استفاده از آن است و اینها حکمت یعنی معرفت علمی سودمند هستند.

آثار معرفتی شکر در معرفت‌شناسی

در این بخش به اجمال آرای رابرتس (و وود) را درباره معرفت‌شناسی و آثار معرفتی شکر بیان می‌کنم.

معرفت‌شناسی

رابرتس و وود در دو فصل اول و دوم [Roberts & Wood, 2007] علیه تعریف جامع و مانع «معرفت» مانند «باور صادق موجه» استدلال می‌کنند. آنها این نوع معرفت را معرفت «گزاره‌ای» (propositional) می‌نامند و علاوه بر آن به دو نوع معرفت دیگر قایلند: فهم (understanding) و آشنایی (Roberts acquaintance) [Roberts & Wood, 2007: 33].^{xx}

معرفت گزاره‌ای دو خصوصیت مرتبط با هم دارد: نسبتاً منعزل است و متدرج نیست. ولی فهم ناظر است به گزاره‌هایی پیچیده مانند داستان یا چیزهایی غیر از گزاره مانند نقاشی، و متدرج است یعنی کم و زیاد می‌شود. معرفت گزاره‌ای نمی‌تواند مستقل از فهم باشد. باورهای ما اغلب توجیهشان را از راه استنتاج به‌دست می‌آورند و استنتاج نوعی فهم است. فهم با تبیین و لذا با معرفت گزاره‌ای مرتبط است زیرا در بسیاری از موارد توجیه کننده گزاره، آن را تبیین می‌کند [Roberts & Wood, 2007: 42-49]. آشنایی تماس شناختی با واقعیت، نوعی تجربه برای خود مانند تجارب زیاد دانشمندی با موضوعی است. برخی آشنایی‌ها مبنای باورند ولی برخی نه مانند دیدن شکستگی چوب در آب ولی باور نکردن آن [Roberts & Wood, 2007: 50-52]. و معرفت گزاره‌ای چنان با فهم و آشنایی عجین است که نباید گفت «نوعی» از معرفت است بلکه باید گفت «جنبه‌ای» از معرفت است [Roberts & Wood, 2007: 55].

رابرتس و وود «فضیلت» را پایه اکتسابی کارکرد عالی در یک حوزه عمومی چالشی و مهم فعالیت انسان می‌دانند. تمام فضایل به نحوی از انحاء جنبه‌ای معرفتی دارند. بسیاری از فضایل کمال قوای انسانی طبیعی هستند. ولی بعضی فضایل اصلاح‌کننده گرایش به بد عمل کردن و خطا در برخی موقعیت‌های شایع هستند. بسیاری از فضایل ملکات اراده یعنی میل، هدف‌جویی، دغدغه، دلبستگی، قدرت اراده، هیجانات و انتخاب هستند. و تمام فضایل ارتباطی با اراده دارند. فضایل همچنین می‌توانند مهارت باشند یا متضمن مهارت باشند. باز تمام فضایل ارتباطی با مهارت‌هایی در زمینه‌های فعالیت‌ها یا موقعیت‌هایی برای فعالیت‌های انسانی عمومی دارند. فضایل معرفتی پایه اکتسابی کارکرد عالی معرفتی است زیرا یکی از آن انواع کارکرد چالشی و مهم انسانی است. تلاش برای ترسیم خط فاصل قاطعی بین فضایل معرفتی و اخلاقی بی‌فایده است. لذا تمام فضایل معرفتی‌اند (همین‌طور اخلاقی) [Roberts & Wood, 2007: 59-60].

یکی از فضایی که رابرتس و وود در تمام فصول به آن می‌پردازند و با وجود این یک فصل هم به آن اختصاص داده‌اند حکمت عملی است.^{xx} چون این موضوع برای ما مدخلیت دارد به اجمال طرحش می‌کنیم. حکمت عملی در هر موقعیت خاص حکم می‌کند که چه کاری باید انجام شود. حکمت عملی با تامل و ادراک به حکم می‌رسد. تامل فعال و ادراک تا حدی منفعل است. تامل برای یافتن بهترین کار در موقعیت، و ادراک دیدن موقعیت است [Roberts & Wood, 2007: 306]. هر یک از فضایل معرفتی بخش خودش را از حکمت عملی دارد. هر یک الگوی تامل و ادراک خاصی دارد [Roberts & Wood, 2007: 311].

رابرتس در فصول ۳، ۴، و ۵ استدلال می‌کند که هیجانات نوعی حالت ادراکی هستند که ما می‌توانیم با آنها با ارزش‌های مثبت یا منفی موجود در موقعیت‌ها آشنا شویم [Roberts, 2013]. هیجانات بر این اساس در کسب معرفت گزاره‌ای و فهم برخی حقایق، و در اندیشیدن عاقلانه نقشی حیاتی دارند [Roberts, 2013: 30]. ادراک هیجانات در اصل غیرحسی است ولی در بسیاری اوقات متضمن یا همراه نوعی تجربه حسی است [Roberts, 2013: 40]. بنابراین هیجانات مانند ادراکات حسی می‌توانند مبنای حکم قرار گیرند. و هیجانات فضیلت‌مندان از نظر معرفتی قابل اعتماد است. هیجانات ردیلت‌مندان حقایق را وارونه جلوه می‌دهند [Roberts, 2013: 53].

هیجانات از دو راه می‌توانند بر استدلال اخلاقی اثر بگذارند: فرآیند استدلال و مقدمات استدلال. حسادت، بی‌اعتمادی، خشم، تحقیر و مانند اینها می‌توانند مانع استدلال اخلاقی با طرف مقابل شوند. و تمجید، اعتماد، احترام و مانند اینها می‌توانند استدلال اخلاقی با طرف مقابل را بیانگیزند، عمق بدهند، خلاقانه بکنند و مانند اینها. هیجانات مانند ادراکات حسی می‌توانند مقدمات را تامین کنند مانند اینکه «فرد اهانت کرد» [Roberts, 2013: 63-65].

آثار معرفتی شکر

رابرتس و وود می‌گویند فضایل متفاوتند و با یک نظریه واحد نمی‌توان چپستی و عملکرد معرفتیشان را توصیف کرد [Roberts & Wood, 2007: 79-80]. و هیچ یک از فضایی را که شرح می‌کنند نمی‌توان الگوی آثار معرفتی شکر قرار داد. بنابراین به ذکر نکاتی که در مورد فضیلت شکر می‌گویند اکتفا می‌کنم. رابرتس و وود در بحث گواهی می‌گویند باور به هر آنچه هر کس گواهی می‌دهد، از نظر معرفتی موجه نیست. و باورکردن تنها براساس شواهد قابل اعتمادبودن گواهی‌دهنده در زمینه آنچه گواهی داده است، نیز بیش از حد سخت‌گیرانه است. فضیلت شکر اثر رهایی از این نوع سخت‌گیری و رسیدن به باورهای موجه براساس گواهی را دارد [Roberts & Wood, 2007: 104-106].

رابرتس و وود در بحث تعلیم و تعلم شکر را موثر می‌دانند. به عنوان نمونه استادی خیری معرفتی می‌رساند مانند آموزشی که می‌دهد. اگر دانشجو فضیلت شکر داشته باشد درمی‌یابد که خیری به او رسیده (و دیگر اجزای تعریف شکر) و به نحوی شکر استاد را می‌گذارد. چنین شکرگزاری مشوق استاد خواهد بود و در نتیجه هم یاددهی استاد و هم یادگیری دانشجو را تقویت خواهد کرد [Roberts & Wood, 2007: 142]. نقش تقویت معرفتی شکر در علوم مختلف مانند فیزیک ذرات، بیوشیمی، جانورشناسی، روان‌شناسی، و علوم اعصاب نیز وجود دارد. زیرا این علوم به صورتی جمعی کار می‌کنند و فضیلت شکر مشارکت معرفتی را تسهیل می‌کند [Roberts & Wood, 2007: 143-144].

رابرتس و وود یکی از فضایل معرفتی را خودآیینی (autonomy) می‌دانند و فصل دهم کتاب را به آن اختصاص داده‌اند. آنها خودآیینی را مانند شجاعت فاقد انگیزه خاص خودش می‌دانند [Roberts & Wood, 2007: 282]. و شکر را یکی از انگیزه‌های آن می‌شمارند. خودآیینی جنبه‌ای سلبی دارد که یعنی ناوابستگی به دیگران و جنبه‌ای ایجابی دارد که دیگران شایسته‌ای را مانند معلمان، همکاران، منتقدان، و اسوه‌ها خودی می‌کنند. ^{۳۰۱} شکر انگیزه این جنبه ایجابی است. لذا نه تنها آنها را خودی می‌کند بلکه خیر خودش را در این می‌بیند [Roberts & Wood, 2007: 284-285]. خودآیین افراطی شکر هیچکس را برای قوای معرفتی و دستاوردهایش نمی‌گذارد [Roberts & Wood, 2007: 259].

رابرتس می‌گوید فضیلت شکر به خیرخواهی، خیررساندن و خیر حساس است چنان که حتی با شواهد بسیار اندک و احتمال خطا و اغراق، آنها را به دیگران نسبت می‌دهد. به این معنا فضیلت شکر به لحاظ معرفتی سخاوتمند هم هست [Roberts, 2004: 68]. او همچنین می‌گوید سخاوت ملاک شکر است. شگری که در اسناد انگیزه‌های خوب به خیررسان سخاوتمند نیست، نقص دارد [Roberts, 2013: 200].

تبیین آثار معرفتی شکر در قرآن کریم

در این بخش با توجه به آرای رابرتس (و وود) هر یک از آثار معرفتی شکر در قرآن کریم را به اجمال تبیین می‌کنم.

آیه

آیاتی که می‌فرمایند اموری برای شاکران آیه هستند، برخی نعمت‌ها به تعبیر قرآن کریم یا خیرات به تعبیر رابرتس را ذکر می‌کنند. آیات اعراف/۵۸-۵۷، ابر، باران، خاک، گیاهان و میوه‌ها؛ ابراهیم/۵، موسی (ع)، آیات، و ایام خدا؛ لقمان/۳۱، کشتی، و جریان یافتن آن در دریا؛ سبأ/۱۹-۱۸، شهرهای آبادان، مسیرهای به اندازه، امکان رفت و آمد، امنیت؛ و شوری/۳۳-۳۲، کشتی‌های بزرگ، باد، و حرکت کشتی در دریا را بیان می‌فرمایند.

فضیلت شکر به نعمت-خیر حساس است یعنی فضیلتمند به احتمال قوی با هیجان شکر آن نعمت-خیر را ادراک می‌کند. فضیلتمند با این ادراک با نعمت-خیر آشنا می‌شود که نوعی معرفت است. چنین ادراکی می‌تواند مبنای باور قرار گیرد و به لحاظ معرفتی قابل اعتماد است. بنابراین باور به نعمت-خیر موجه می‌شود. بنابراین معرفت گزاره‌ای هم حاصل می‌شود.

ایمان

شکر می‌تواند زمینه‌ساز ایمان باشد. شاکر نسبت به امور بی‌شماری مانند زندگی، هیجان شکر دارد و آن امور اعطاکننده‌ای به غیر از خدا نمی‌توانند داشته باشند.^{xxii} رابرتس می‌گوید شکر گرایش طبیعی دینی دارد. به عنوان نمونه موسیقی‌دانی که فضیلت شکر دارد شاکر والدین و معلمانش است ولی راضی نخواهد شد زیرا خود استعداد موسیقایی هیجان شکری بسیار عمیق‌تر در او ایجاد می‌کند که در حد خیرخواهی مطلق است [Roberts, 2004: 75-76]. رابرتس استدلال می‌کند هیجان شکری را که خدا ناپاوران نسبت به اموری احساس می‌کنند که نمی‌توان به جهان، انسان‌ها یا خود نسبت داد تنها به خدا می‌توان نسبت داد [Roberts, 2014].

هدایت

شاکران هدایت می‌شوند. براساس آرای رابرتس (و وود) شاکران از راه‌های معرفتی متفاوتی می‌توانند به هدایت برسند. اول گواهی است. شاکر هدایت را از دیگران مانند پیامبران می‌پذیرد. دوم جامعه دینی است. باورهای دینی موجه در جامعه دینی و با کاری جمعی مانند استدلال شکل می‌گیرند و شکر این فرآیند را تسهیل می‌کند. سوم خودآیینی است. شاکر دیگرانی مانند پیامبران را خودی می‌کند و بنابراین هدایت می‌شود. چهارم حساسیت به خیر است. هدایت هم نوعی خیر است و شاکر سخاوتمندانه آن را تشخیص می‌دهد و لذا هدایت می‌شود.

قوای معرفتی

قوای معرفتی شاکران درست کار می‌کنند. زیرا به تعبیر رابرتس فضیلت شکر از نوع فضایل جوهری-انگیزشی است یعنی الگوی رفتار شکرگزاری در موقعیت‌های بایسته دارد، خوب حکم می‌کند که در چه موقعیت‌هایی باید شکر گزارد، و تجربه هیجان شکر به موقع دارد؛ و از شکرگزاری لذت می‌برد و می‌خواهد که شکرگزاری فراگیر شود و در موقعیت‌های مناسب انگیزه دارد که شکر را بگسترده. و نیز شکر از نوع فضایی است که دلایل خاص عمل و احساس دارند یعنی شاکر به دلیل تحقق یا حفظ شکر عمل می‌کند و وقتی با ناشکری روبه‌رو می‌شود

ناراحت می‌شود و وقتی ناشکری برطرف می‌شود خوشحال می‌شود. لازمه تمام این خصوصیات فضیلت شکر این است که قوای معرفتی شاگردان درست کار کنند.

حکمت

شکرگزاری حکمت را لازم دارد تا معرفت نعمت‌دهنده، نعمت و نحوه شکرگزاری را برای شاگردان تأمین کند. حکمت عملی خاص فضیلت شکر به نظر رابرتس و وود در هر موقعیت خاص همین کار را می‌کند. اولاً خیررسان و خیر را در موقعیت خاص ادراک می‌کند. و ثانیاً تأمل می‌کند که بهترین نحوه شکرگزاری چگونه است.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم براساس تفاسیری که آوردیم می‌فرماید نعمت‌های بی‌شماری برای کسانی که فضیلت اخلاقی شکر دارند، آیه وجود و صفات خداوند است. فضیلت اخلاقی شکر زمینه را برای ایمان و هدایت آماده می‌کند. شکر قوای معرفتی درست استفاده‌کردن از آنها است. و لازمه فضیلت اخلاقی شکر حکمت است. این آثار معرفتی فضیلت اخلاقی شکر را می‌توان با آرای رابرتس در معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا تبیین کرد. براساس نظر او فضیلت اخلاقی شکر هیجان شکر را درست ابراز می‌کند. هیجان شکر ادراک خیر است و این نوعی آشنایی است. و چنین آشنایی مبنای معرفت گزاره‌ای و فهم می‌شود. متعلق شکر برخی خیرات فقط خداوند می‌تواند باشد. لازمه فضیلت اخلاقی شکر درست کارکردن قوای معرفتی است. و حکمت عملی در موارد خاص ادراک خیر و تأمل بهترین شکر را فراهم می‌کند.

تشکر و قدردانی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تأییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تعارض منافع: موردی برای گزارش وجود ندارد.

سهام نویسندگان: حسن میاننداری کل امور مقاله را انجام داده است (۱۰۰٪)

منابع مالی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- Adeel MA (2019). Epistemology of the Quran: Elements of a virtue approach to knowledge and understanding. Cham: Springer.
- Alusi MA (1994a). RŪH AL-MA'ĀNĪ FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN AL-'AZĪM WA AL-SAB' AL-MATHĀNĪ (Volume 1). Beirut: DAR AL-KUTUB AL-'ILMIYYA. [Arabic]
- Alusi MA (1994b). RŪH AL-MA'ĀNĪ FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN AL-'AZĪM WA AL-SAB' AL-MATHĀNĪ (Volume 7). Beirut: DAR AL-KUTUB AL-'ILMIYYA. [Arabic]
- Alusi MA (1994c). RŪH AL-MA'ĀNĪ FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN AL-'AZĪM WA AL-SAB' AL-MATHĀNĪ (Volume 10). Beirut: DAR AL-KUTUB AL-'ILMIYYA. [Arabic]
- Alusi MA (1994d). RŪH AL-MA'ĀNĪ FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN AL-'AZĪM WA AL-SAB' AL-MATHĀNĪ (Volume 11). Beirut: DAR AL-KUTUB AL-'ILMIYYA. [Arabic]
- Axtell G (1997). Recent work on virtue epistemology. American Philosophical Quarterly. 34(1):1-27.
- Ayoub M (1989). Thanksgiving and praise in the Qur'an and in Muslim piety. Islamochristiana. 15:1-10.
- Battaly H (2019). The Routledge handbook of virtue epistemology. London: Routledge.
- Baydāwī AU (1997a). ANWĀR AL-TANZĪL WA ASRĀR AL-TA'WĪL (Volume 2). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Baydāwī AU (1997b). ANWĀR AL-TANZĪL WA ASRĀR AL-TA'WĪL (Volume 3). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Baydāwī AU (1997c). ANWĀR AL-TANZĪL WA ASRĀR AL-TA'WĪL (Volume 4). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]

- Baydāwī AU (1997d). ANWĀR AL-TANZĪL WA ASRĀR AL-TA'WĪL (Volume 5). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Camenisch PF (1981). Gift and gratitude in ethics. *Journal of Religious Ethics*. 9(1):1-34.
- Code L (1987). *Epistemic responsibility*. Hanover: University Press of New England and Brown University Press.
- Dolin J, Baehr J (2025). Intellectual patience: Controlling temporally-charged urges in the life of the mind. In: King NL, editor. *The virtues of endurance*. Oxford: Oxford University Press. p. 60-81.
- Emmons RA (2004). The psychology of gratitude: An introduction. In: Emmons RA, McCullough ME, editors. *The psychology of gratitude*. Oxford: Oxford University Press. p. 3-16.
- Emmons RA (2007). *Thanks! How the new science of gratitude can make you happier*. Boston: Houghton Mifflin Harcourt.
- Fadl-Allāh MH (1998). MIN WAHY AL-QUR'ĀN. Beirut: DAR AL-MALAK. [Arabic]
- Fakhr Rāzī MU (1999a). AL-TAFSĪR AL-KABĪR-MAFĀTĪH AL-GHAYB (Volume 1). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Fakhr Rāzī MU (1999b). AL-TAFSĪR AL-KABĪR-MAFĀTĪH AL-GHAYB (Volume 11). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Fakhr Rāzī MU (1999c). AL-TAFSĪR AL-KABĪR-MAFĀTĪH AL-GHAYB (Volume 14). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Fakhr Rāzī MU (1999d). AL-TAFSĪR AL-KABĪR-MAFĀTĪH AL-GHAYB (Volume 20). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Fakhr Rāzī MU (1999e). AL-TAFSĪR AL-KABĪR-MAFĀTĪH AL-GHAYB (Volume 28). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Fakhr Rāzī MU (1999f). AL-TAFSĪR AL-KABĪR-MAFĀTĪH AL-GHAYB (Volume 30). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Greco J (2002). Virtues in epistemology. In: Moser PK, editor. *The Oxford handbook of epistemology*. Oxford: Oxford University Press. p. 287-305.
- Gulliford L, Morgan B, Kristjánsson K (2013). Recent work on the concept of gratitude in philosophy and psychology. *Journal of Value Inquiry*. 47(3):285-317.
- Haqqi Burusawi IM (NDa). RŪH AL-BAYĀN (Volume 2). Beirut: DAR AL-FIKR. [Arabic]
- Haqqi Burusawi IM (NDb). RŪH AL-BAYĀN (Volume 7). Beirut: DAR AL-FIKR. [Arabic]
- Haqqi Burusawi IM (NDc). RŪH AL-BAYĀN (Volume 8). Beirut: DAR AL-FIKR. [Arabic]
- Haqqi Burusawi IM (NDd). RŪH AL-BAYĀN (Volume 9). Beirut: DAR AL-FIKR. [Arabic]
- Ibn 'Ajibah A (1998). AL-BAHAR AL-MADID FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN AL-MAJĪD (Volume 4). Cairo: Hassan Abbas Zaki. [Arabic]
- Izutsu T (2002). *Ethico-religious concepts in the Qur'an*. Montreal: McGill-Queen's University Press.
- Kwall J (2002). Other-regarding epistemic virtues. *Ratio*. 15(3):257-275.
- Kelp C, Greco J, editors (2020). *Virtue theoretic epistemology: New methods and approaches*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kristjánsson K (2015). An Aristotelian virtue of gratitude. *Topoi*. 34(2):499-511.
- Kvanvig JK (1992). *The intellectual virtues and the life of the mind*. Lanham: Rowman & Littlefield.
- Lambert NM, Graham SM, Fincham FD (2009). A prototype analysis of gratitude: Varieties of gratitude experiences. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 35(9):1193-1207.
- Makarem Shirazi N (1993a). TAFSĪR NIMŪNE (Volume 5). Tehran: DAR AL-KUTUB AL-ISLAMIYYA. [Persian]
- Makarem Shirazi N (1993b). TAFSĪR NIMŪNE (Volume 10). Tehran: DAR AL-KUTUB AL-ISLAMIYYA. [Persian]
- Makarem Shirazi N (1993c). TAFSĪR NIMŪNE (Volume 11). Tehran: DAR AL-KUTUB AL-ISLAMIYYA. [Persian]
- Manela T (2018). The virtue of gratitude and its associated vices. In: *The moral psychology of gratitude*. Lanham: Rowman & Littlefield. p. 296-316.
- Montmarquet JA (1993). *Epistemic virtue and doxastic responsibility*. Lanham: Rowman & Littlefield.
- Mosalaepour A, Tajik E (2015). The semantic field of "thanks" in Holy Quran. *Quran and Hadith Studies*. 8(1):197-216. [Persian]
- Nasr SH, Dagli CK, Dakake MM, Lumbard JEB, Rustom M (2015). *The study Quran: A new translation and commentary*. California: HarperOne.
- Navarro JL, Tudge JRH (2020). What is gratitude? Ingratitude provides the answer. *Human Development*. 64(2):83-96.
- Qurtubi MA (1985a). AL-JĀMI' LI-AHKAM AL-QUR'ĀN (Volume 1). Tehran: Nasir Khusraw. [Arabic]

- Qurtubi MA (1985b). AL-JĀMI' LI-AHKAM AL-QUR'ĀN (Volume 7). Tehran: Nasir Khusraw. [Arabic]
- Qutb S (2004a). FĪ ZILĀL AL-QUR'ĀN (Volume 2). Beirut: DAR AL-SHORUQ. [Arabic]
- Qutb S (2004b). FĪ ZILĀL AL-QUR'ĀN (Volume 5). Beirut: DAR AL-SHORUQ. [Arabic]
- Reinhart AK (1995). Before revelation: The boundaries of Muslim moral thought. New York: State University of New York Press.
- Ridā MR (1993a). TAFSIR AL-QUR'AN AL-HAKIM: TAFSIR AL-MANĀR (Volume 7). Beirut: DAR AL-MA'RIFAH. [Arabic]
- Ridā MR (1993b). TAFSIR AL-QUR'AN AL-HAKIM: TAFSIR AL-MANĀR (Volume 8). Beirut: DAR AL-MA'RIFAH. [Arabic]
- Roberts RC (1984). Will power and the virtues. *Philosophical Review*. 93(2):227-247.
- Roberts RC (1989). Aristotle on virtues and emotions. *Philosophical Studies*. 56(3):293-306.
- Roberts RC (1991). Virtues and rules. *Philosophy and Phenomenological Research*. 51(2):325-343.
- Roberts RC (1998). Character ethics and moral wisdom. *Faith and Philosophy*. 15(4):478-499.
- Roberts RC (2003). *Emotions: An essay in aid of moral psychology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Roberts RC (2004). The blessings of gratitude: A conceptual analysis. In: Emmons R, McCullough M, editors. *The psychology of gratitude*. Oxford: Oxford University Press. p. 58-78.
- Roberts RC (2013). *Emotions in the moral life*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Roberts RC (2014). Cosmic gratitude. *European Journal for Philosophy of Religion*. 6(3):65-83.
- Roberts RC (2015). The normative and the empirical in the study of gratitude. *Res Philosophica*. 92(4):883-914.
- Roberts RC (2021). *Recovering Christian character: The psychological wisdom of Søren Kierkegaard*. Michigan: Eerdmans Publishing Company.
- Roberts RC (2024). *Virtue ethics in Christian perspective*. Oregon: Wipf and Stock Publishers.
- Roberts RC, Wood J (2007). *Intellectual virtues: An essay in regulative epistemology*. Oxford: Clarendon Press.
- Rushdy AHA (2020). *Philosophies of gratitude*. Oxford: Oxford University Press.
- Shahidi SM (2006). The role of polysemy and context from the interpretive view point of 'Allame Tabatabaee. *Researches of Quran and Hadith Sciences*. 2(2):45-64. [Persian]
- Siddiqui M, Vette N (2022). *A theology of gratitude: Christian and Muslim perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Snow NE (2017). *The Oxford handbook of virtue*. Oxford: Oxford University Press.
- Sosa E (1980). The raft and the pyramid: Coherence versus foundations in the theory of knowledge. *Midwest Studies in Philosophy*. 5(1):3-26.
- Sosa E (2015). Virtue epistemology: Character versus competence. In: *Current controversies in virtue theory*. London: Routledge.
- Tabarī MJ (1991). JĀMI' AL-BAYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 22). Beirut: DAR AL-MA'RIFA. [Arabic]
- Tabarsī FH (1953a). MAJMA' AL-BAYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 1). Tehran: Nasir Khusru. [Arabic]
- Tabarsī FH (1953b). MAJMA' AL-BAYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 2). Tehran: Nasir Khusru. [Arabic]
- Tabarsī FH (1953c). MAJMA' AL-BAYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 6). Tehran: Nasir Khusru. [Arabic]
- Tabarsī FH (1953d). MAJMA' AL-BAYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 7). Tehran: Nasir Khusru. [Arabic]
- Tabarsī FH (1953e). MAJMA' AL-BAYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 8). Tehran: Nasir Khusru. [Arabic]
- Tabataba'i MH (1970a). AL-MĪZĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 1). Beirut: MU'ASSASA AL-A'LAMI. [Arabic]
- Tabataba'i MH (1970b). AL-MĪZĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 4). Beirut: MU'ASSASA AL-A'LAMI. [Arabic]
- Tabataba'i MH (1970c). AL-MĪZĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 12). Beirut: MU'ASSASA AL-A'LAMI. [Arabic]
- Tabataba'i MH (1970d). AL-MĪZĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 16). Beirut: MU'ASSASA AL-A'LAMI. [Arabic]
- Tabataba'i MH (1970e). AL-MĪZĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 18). Beirut: MU'ASSASA AL-A'LAMI. [Arabic]
- Tabataba'i MH (1970f). AL-MĪZĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'ĀN (Volume 19). Beirut: MU'ASSASA AL-A'LAMI. [Arabic]
- Taleghani M (1983a). PARTOVI AZ QURAN (Volume 2). Tehran: ENTESHAR Co. [Persian]

- Taleghani M (1983b). PARTOVI AZ QURAN (Volume 5). Tehran: ENTESHAR Co. [Persian]
- Turri J (2011). Critical notice of Robert C. Roberts and W. Jay Wood, intellectual virtues: An essay in regulative epistemology. *Philosophy and Phenomenological Research*. 82(3):793-797.
- Tūsī MH (1956a). AL-TIBYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'AN (Volume 1). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Tūsī MH (1956b). AL-TIBYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'AN (Volume 6). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Tūsī MH (1956c). AL-TIBYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'AN (Volume 8). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Tūsī MH (1956d). AL-TIBYĀN FĪ TAFSĪR AL-QUR'AN (Volume 10). Beirut: DAR IHYA' AL-TURATH AL-'ARABI. [Arabic]
- Yaghoubi R, Kambouzia AKZ (2018). A linguistic analysis of thanks and praise-related words in the Qur'anic Ayahs based on Jakobson's communication model and Coulmas's taxonomy of thanks. *Literary Quranic Researches*. 6(1):23-42. [Persian]
- Zagzebski LT (1996). *Virtues of the mind: An inquiry into the nature of virtue and the ethical foundations of knowledge*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zamakhsharī MU (1986a). AL-KASHSHĀF 'AN HAQĀ'IQ QHAWĀMID AL-TANZĪL WA 'UYŪN AL-'AQĀWĪL FI WUJŪH AL-TA'WĪL (Volume 1). Beirut: DAR AL-KITAB AL-'ARABI. [Arabic]
- Zamakhsharī MU (1986b). AL-KASHSHĀF 'AN HAQĀ'IQ QHAWĀMID AL-TANZĪL WA 'UYŪN AL-'AQĀWĪL FI WUJŪH AL-TA'WĪL (Volume 2). Beirut: DAR AL-KITAB AL-'ARABI. [Arabic]
- Zamakhsharī MU (1986c). AL-KASHSHĀF 'AN HAQĀ'IQ QHAWĀMID AL-TANZĪL WA 'UYŪN AL-'AQĀWĪL FI WUJŪH AL-TA'WĪL (Volume 3). Beirut: DAR AL-KITAB AL-'ARABI. [Arabic]

پی‌نوشت

۱. فضیلت‌گرایان جدید ریشه آرای خود را در گذشتگان از جمله ارسطو می‌دانند [Sosa, 2015].
۲. اتفاقاً یکی از فضیلتی که مورد تحقیق قرار گرفته «صبر» است [Dolin & Baehr, 2025; Kawall, 2002]: که در برخی آیات همراه «شکر» آمده است.
۳. «شکر» در فارسی کمتر به کار می‌رود ولی من برای یکدستی بحث از همین لفظ استفاده می‌کنم.
۴. آرای رابرتس (و وود) مورد نقد قرار گرفته‌اند [Kristjánsson, 2015; Turri, 2011].
۵. تفاسیر برگرفته از نرم‌افزار جامع تفاسیر نور ۳ است.
۶. بر این اساس می‌توان بزرگداشت نعمت‌دهنده و شکر زبانی را هم نوعی جبران دانست.
۷. در نقل قول‌هایی که آوردیم دلیلی برای تفاوت جبران براساس مقام نعمت‌دهنده بیان نمی‌شود ولی حداقل تا حدی به دلیل تفاوت نعمت‌هایی است که اعطا می‌کنند.
۸. بسیاری از مفسران اطاعت از نعمت‌دهنده را جزء شکر می‌دانند مانند طبری در تفسیر سبأ/۱۳ که می‌گوید پروردگارتان را با اطاعت از او شکر بگزارید [Tabarī, 1991: 50]. طبرسی نیز در تفسیر آل عمران/۱۴۴ می‌گوید مراد از شاکرین اطاعت‌کنندگان است زیرا اطاعت همان شکر خدا بر نعمت‌هایش است [Tabarī, 1953b: 850] و قرطبی نیز در تفسیر انعام/۶۳ می‌گوید شاکرین به معنی اطاعت‌کنندگان است [Qurtubi, 1985b: 8]. اما براساس تفکیک جبران با توجه به مقام نعمت‌دهنده می‌توان گفت اطاعت، جبران نعمت نعمت‌دهنده‌ای است که مقامی بالاتر از نعمت‌گیرنده داشته باشد.
۹. رابرتس در بحث‌هایش از مراجع بسیاری استفاده می‌کند اما چون مجال طرح آنها نیست، ذکرشان نمی‌کنم.
۱۰. تعریف او در این مقاله با تعریفش در [Roberts, 1998; Roberts, 2004] تفاوت‌هایی دارد ولی مجال طرح آنها نیست. همچنین او هر یک از اجزا را براساس نظریه‌اش درباره هیجان [Roberts, 2003] تفسیر می‌کند که باز مجال طرح آنها نیست.
۱۱. او در مقالاتش این اجزا را توضیح می‌دهد و برایشان استدلال می‌آورد که باز مجال طرح آنها نیست.
۱۲. قید استفاده در شکر در مقاله کامنیش [Camenisch, 1981] آمده است.
۱۳. شاید دلیل نیامدن این اجزا در تعریف رابرتس این باشد که تعریف قرآنی بیشتر براساس شکر خداوند است و تعریف رابرتس کلی است.
۱۴. رابرتس به مناسبت در جایی پنج نوع فضیلت اخلاقی [Roberts, 1989] و در جایی سه نوع فضیلت اخلاقی [Roberts, 2024: 27] را از هم تفکیک می‌کند.
۱۵. رابرتس و وود می‌گویند یک علامت فضیلت بیشتر این است که در موقعیت‌های گسترده‌تری برای عمل فضیلت‌مندانه کفایت می‌کند [Roberts & Wood, 2007: 274].
۱۶. با اینکه آیه می‌فرماید اگر شکر بگزارید، با توجه به تفاسیر می‌توان گفت منظور فضیلت شکر است نه مثلاً یک بار شکرگزاردن. زیرا فرد باید نسبت به اموری شکرگزار باشد که فقط از خداوند برآید و شکر چنین اموری از فضیلت‌مندان برمی‌آید. و انعام/۵۳ نیز شاکران را از گمراه‌کردن شیطان در امان می‌داند و به توضیحی که از علامه طباطبایی در تفسیر آل عمران/۱۴۴ آوردیم چنین وصفی دال بر فضیلت است.
۱۷. موضوع ناشکری (کفر) در قرآن کریم [Shahidi, 2006]، فلسفه [Manela, 2018]، و روان‌شناسی [Navarro & Tudge, 2020] کاملاً به موضوع این مقاله مرتبط هستند ولی مجال طرح آنها نیست.
۱۸. آیه نحل/۱۲۱ درباره ابراهیم (ع) می‌فرماید «شاکراً لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَ هَذَا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» که هدایت را به دنبال شکر آورده است. من در تفاسیر بسیاری که نگاه کردم، ارتباطی بین شکر و هدایت نیافتم. ولی به توضیحی که در متن آمد، به نظر ارتباط وجود دارد.
۱۹. در تحقیقی نادر [Adeel, 2019] به «فهم» در قرآن کریم با نظر به معرفت‌شناسی فضیلت‌گرایی معاصر پرداخته است.

^{۸۸} فضیلت دیگر عشق به معرفت است.

^{۸۹} رابرتس و وود سه راه برای خودی‌کردن دیگران بیان می‌کنند [Roberts & Wood, 2007: 278-280].

^{۹۰} امنز [Emmons, 2007: 19-21] چسترتون (Chesterton) را (۱۸۷۴-۱۹۳۶) مثال می‌زند که با وجود بی‌دین بزرگ شدنش به دلیل فرط شکر در ۴۸ سالگی ایمان آورد.

